

دبیری، محمد

مقتل الأنوار في مصائب الأئمة الأطهار (مقتل پنج تن آل عبا) / مؤلف: محمد دبیری ۱۳۲۸ - مشهد: جوان

یاوران، ۱۳۸۴

ص ۲۴۰

بهاء: ۱۸۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۵-۸۹۳۳-۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۳۲: همچنین به صورت زیر نویس

۱. خاندان نبوت - سوگوار بها، ۲. خاندان نبوت - شعر، ۳. شعر مذهبی - مجموعه ها الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵

م ۷ د ۴۶ BP

م ۳۷۳

انتشارات جوان یاوران

عنوان: مقتل الأنوار في مصائب الأئمة الأطهار (مقتل پنج تن آل عبا)

مؤلف: محمد دبیری

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

قطع: رقعی

چاپ و صحافی: دقت

شابک: ۷-۵-۸۹۳۳-۹۶۴

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

مرکز پخش: فروشگاه تسنیم

مشهد مقدّس - چهارراه شهدا پاساژ فیروزه - طبقه منهای یک

تلفن: ۲۲۳۶۵۷۸ - ۵۱۱ - همراه: ۰۹۱۵۵۰۳۵۷۲۰

مقتل الانوار

في

مصائب الائمة الاطهار

يا

(مقتل پنج تن آل عبا عليهم السلام)

مؤلف : محمد دبیری

فهرست کتاب

- ۸..... به جای مقدمه بیانی رسا از علامه شهید مطهری رحمته الله علیه
- ۱۲..... (۱) در مصائب رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۲۲..... (۲) در مصائب حضرت زهرا علیها السلام (۱)
- ۲۹..... (۳) در مصائب حضرت زهرا علیها السلام (۲)
- ۳۶..... (۴) در مصائب حضرت زهرا علیها السلام (۳)
- ۴۴..... (۵) در مصائب حضرت زهرا علیها السلام (۴)
- ۴۹..... (۶) در مصائب امیرالمؤمنین علیه السلام (۱)
- ۵۸..... (۷) در مصائب و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام (۲)
- ۶۷..... (۸) در مصائب امیرالمؤمنین علیه السلام (۳)
- ۷۳..... (۹) در مصائب و شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام (۱)
- ۸۱..... (۱۰) در شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام (۲)
- ۹۰..... نهضت خونین کربلا
- ۹۲..... (۱۱) مقدمه‌ای در مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام در دوستی حسین علیه السلام
- ۱۰۰..... (۱۲) در مصیبت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام (۱)

- (۱۳) در شهادت طفلان مسلم بن عقیل علیه السلام (۲) ۱۰۶
- (۱۴) حرکت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از مدینه به کوفه (کربلا) (۲) ۱۱۵
- (۱۵) در مصائب و شهادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام (۱) ۱۲۴
- (۱۶) در مصائب حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام (۲) ۱۳۲
- (۱۷) در مصائب و شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۴۰
- (۱۸) در مصائب و شهادت حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام ۱۴۹
- (۱۹) در مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام ۱۵۷
- (۲۰) در مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام (۳) در وداع آن حضرت ۱۶۴
- (۲۱) در مصائب و شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام (۴) وداع آن حضرت و بازگشت ذوالجناح ۱۷۲
- (۲۲) در مصائب هجوم دشمن و آتش زدن خسیام و غارت اموال اهل بیت علیهم السلام ۱۸۰
- (۲۳) در مصائب وقایع شب یازدهم محرم و شام غریبان اهل بیت علیهم السلام ۱۸۸
- (۲۴) در مصائب ورود اهل بیت به کوفه و قرآن خواندن سرانور اباعبدالله علیه السلام ۱۹۶
- (۲۵) در مصائب ورود اهل بیت به شام و مجلس یزید لعین ۲۰۲
- (۲۶) در مصائب اهل بیت در شام ورود اهل بیت به خرابه و مکالمه حضرت رقیه علیها السلام با سر پدر بزرگوار ۲۱۲

(۲۷) در مصائب اربعین حسینی و بازگشت اهل بیت از شام ۲۲۱

(۲۸) در مصائب بازگشت اهل بیت به مدینه و خبر دادن بشیر اهل مدینه را ۲۲۹

فهرست منابع ۲۳۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا أَرْزَلِيًّا بِأَبْدِيَّتِهِ وَأَبَدِيًّا بِأَرْزَلِيَّتِهِ مُتَجَلِّيًا فِي
مَرَايَا آفَاقِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَوَّلِ الْعَدَدِ وَصَاحِبِ الْأَبَدِ الَّذِي
رُوحُهُ نُسخَةٌ عِلْمِ الْأَرْزَلِيَّةِ فِي اللَّاهُوتِ وَجَسَدُهُ صُورَةٌ مَعَانِي الْمُلْكِ
وَالْمَلَكُوتِ وَقَلْبُهُ خَزَائِنَةُ الْعِلْمِ الَّذِي لَا يَمُوتُ طَاوُوسُ الْكِبَرِيَاءِ
وَحَمَامُ الْجَبَرُوتِ سَيِّدُنَا وَنَبِيِّنَا أَبِ الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا^(١)

به جای مقدمه بیانی رسا از علامه شهید مطهری رحمته الله

تمام کسانی که به بشریت خدمت کرده اند حق بر بشریت دارند از

راه علم، یا صنعت و هنر یا اکتشاف و اختراع و یا حکمت و فلسفه، یا ادب و اخلاق، و از هر راهی دیگر، ولی هیچ کس به اندازه شهداء راه حق، بر بشریت حق ندارد و از همین جهت هم عکس العمل بشریت و ابراز عواطف بشر درباره آنها بیش از دیگران است، زیرا عدل و آزادی برای محیط اجتماعی بشر و برای روح بشر به منزله هوا است برای تنفس ریه، بدون آن ادامه حیات ممکن نیست.

پیغمبر ﷺ فرمود: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» عالم در علم خود و مکتشف در اکتشاف خود و مربی و معلّم اخلاق در تعلیمات خود، و حکیم و فیلسوف در حکمت و فلسفه خود مدیون و مرهون شهدا هستند و شهدا در کار خود مدیون کسی نیستند زیرا شهدا بودند که محیط آزاد به دیگران دادند تا آنها توانستند نبوغ خود را ظاهر کنند.

شهدا شمع محفل بشریتند، سوختند و محفل بشریت را روشن کردند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً...﴾^(۱)

«سراج» مبین محیط ظهور پیغمبر است. اگر مردم رشدی داشته باشند محیط تاریک نیست و احتیاج به چراغ نیست. در همچو

وضعی یزید روی کار آمد. یزید به والی مدینه نوشت که خُذْ حُسَيْنًا... بِالْبَيْعَةِ أَخْذًا شَدِيدًا. بنابراین جز با بیعت به چیزی راضی نمی شد. اما امام حسین علیه السلام یکی از سه کار را باید بکند: یا بیعت کند و تسلیم شود، یا آن طوری که بعضی پیشنهاد کردند بیعت نکند و اگر لازم شد - و البته لازم هم می شد - خودش را به کناری بکشد به درّه‌ای یا دامنه کوهی پناه ببرد مثل یاغی‌ها که مخلوطی از ترس و شجاعت است زندگی کند، و یا ایستادگی کند تا کشته شود. اوّل را اعوان و انصار اموی‌ها پیشنهاد می کردند (روح پیشنهاد این دو نفر همین می شد بالتّیجه) و سوّم راهی بود که خودش انتخاب کرد.

اما اوّل معنایش این بود که حسین علیه السلام دین و آخرتش را به دنیای یزید بفروشد و کاری به کار مسلمین نداشته باشد هرچه می شود بشود، و با یزید سازش کند و از ترس بیعت کند برای حفظ جان خود، و آن همان بود که فرمود: «يَا بَنِي اللَّهِ ذَالِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهْرَتْ وَأَنْفٌ حَمِيَّةٌ وَنَفُوسٌ أَيْثَةٌ» این کار را نه خدا اجازه می داد و نه دین خداوند ایمان اقتضاء می کرد و نه پستانی که از آن پستان شیر خورده بود و نه روح عالی که در میان سینه داشت.

اما راه دوّم، درست است که بیعت نکرده بود ولی موضوع تنها

جنبه منفی نداشت که بیعت نکند. او یک تکلیف مثبت برای خود قائل بود که می فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ...» علاوه بر همه اینها روح بلند حسینی کجا و فرار در دشت و کوهها! او حاضر نشد در وقتی که از مدینه به سوی مکه حرکت می کرد شاهراه را بگذارد و از بیراهه برود. در جواب پیشنهاد بعضی همراهان فرمود: «لَا وَاللَّهِ لَا أَفَارِقُهُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ مَا هُوَ قَاضٍ» او می فرمود: «لَا أُعْطِيكُمْ يَدَيِ إِعْطَاءِ الذَّلِيلِ وَلَا أَقِرُّ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ». پدرش می گفت: «وَاللَّهِ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا وَلَوْ أَمَكَّتِ الْفُرُصُ مِنْ رِقَابِهَا لَسَارَعْتُ إِلَيْهَا». و اما راه سوّم همان بود که خودش انتخاب کرد^(۱).